

عنوان مقاله:

خوانش روانکاوانه ی نمایشنامه ی «سیندرلا» با تکیه بر نظریات ژک لکان

محل انتشار:

همایش ملی تئاتر و ارتباط فرهنگی (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

نویسندگان:

سیده غزل نعیمی - دانشجوی دکتری پژوهش هنر دانشگاه تهران

فریندخت زاهدی - دانشیار گروه هنرهای نمایشی و موسیقی دانشگاه تهران

حسن بلخاری قهی - استاد تمام گروه مطالعات عالی هنر دانشگاه تهران

خلاصه مقاله:

مطالعه ی بینارشته ای همواره راه را برای درک بهتر جهان متن فراهم می کند. خوانش روانکاوانه ی آثار ادبی- هنری یکی از شیوه های مطالعات بینارشته ای است. ژک لکان از نظریه پردازان این امر است. او با نگاهی به آرای فروید تعاریف جدیدی از مسائل روان شناختی را ارائه داده است. «سیندرلا»، نوشته ی جلال تهرانی یکی از نمایشنامه های معاصر ایرانی است که دارای ویژگی های قابل تاملی از منظر روانکاوانه است. این پژوهش به صورت توصیفی- تحلیلی و با استناد به اصول نقد لکانی به نگارش در آمده است. در این مقاله ساحت های سه گانه ی نفسانی، نام پدر، سوژکتیویته، زبان، فانتزی و ... در نمایشنامه ی «سیندرلا» خوانش شده است. طبق نتیجه ی تحقیق ژنرال قابل تعمیم به پدر نخستین است و خرس توتم او است. آدمهای نمایشنامه تحت فشار دیگری بزرگ (روابط نظامی- اداری) سوژکتیویته ی خود را از دست داده اند و سیندرلا تنها کسی است که امکان مقابله با ساحت نمادین (شایعه) را می یابد. امر خیالی در نقش های همزادی گروه بان / تیمسار و سروان بازپرس قابل مشاهده است و گره برومه در عدم امکان تشخیص واقعیت و خیال نمود یافته است.

کلمات کلیدی:

سیندرلا، جلال تهرانی، ژک لکان، روانکاوی، نقد ادبی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1307758>

